



ضیا

## نویسنده، به معنای خاص

ضیا، (استرالیا) چندی قبل در ستون (سخن هفته) هفته نامه "افق" منتشره استرالیا پیرامون نویسنده و نویسنده راستین که این مسلک، پیشه‌ایثارگران وفداکاران است، نکاتی از قلم نگارنده رقم یافته بود. اینک بعد دیگر این مسلک پاکیزه را به بررسی میگیریم:

نویسنده مشعل تابناک در جامعه انسانی است که از فیض نور او همه انسانها صرف نظر از رنگ، نژاد، دین، ملیت، زبان، شغل، اندازه دانش و هرجیز دیگر، بهره مند میشوند و راه سعادت را می یابند.

اگر معلم، یک مضمون و یا بیشتر ازان را برای فرد و یا جمعیتی بنام شاگرد و شاگردان، درچار دیواری صنف و یا هر جای دیگر تدریس میکند، درمقابل میبینیم که صنف یک نویسنده حصار ندارد، فضای صنف او بیکران است و کسانیکه از فیض نوشته او مستفید میگردند، غیر محدود است. به این معنی که تاثیر آموزشی نوشته یک نویسنده، عالم شمول بوده تا هر جایی که میرسد و هر کسی که آنرا میخواند، به تناسب برداشت خواننده هایش، از خود اثر بجا میگذارد. هرگاه نوشته ها بمنظور خیر و سعادت انسان رقم یافته باشد، و خواننده ازان چیزی بیاموزد، بی تردید نویسنده آن از جانب خواننده های دارای دانشها و سلیقه های متفاوت و هرگونه خصوصیتی که باشند، او را بحیث یک معلم، رهنا و هدایتگر به دیده احترام می نگرند.

نویسنده، نام شغل یا پیشه ایست که منحصر به نویسنده میباشد. همانطوریکه دانشهای طبابت، مهندسی، کمیگری، فزیکدان بودن، زمین شناسی و سایر دانشها و همچنان هنرها، فنها و پیشه ها هر کدام ضابطه های خاص و منحصر به فرد را دارند - دانش، استعداد و توانایی نویسنده نیز ازین قاعده مثثنی نیست. به همین دلیل است که هیچوقت یک نویسنده ادعا نمیکند و اصولا ادعا نباید کند که او بدون حصول دانش طبابت، خود را طبیب معرفی کند. بناءً هیچ منجم، فزیکدان، کمیادان، حقوقدان... هم نمیتواند تا دانش نویسندگی و ضوابطی را که در مسلک نویسندگی (نویسنده بصورت خاص و ادبیات بصورت عام) به معنای اصلی آن وجود دارد حاصل نکرده باشد، نویسنده گفته شود. ممکن است، یک فزیکدان مقالات و کتابها در مورد فزیک بنویسد، این شخص میتواند یک نویسنده خوب در علم فزیک باشد، لیک وقتی از نویسنده به معنای خاص آن صحبت به میان می آید، نویسنده همان کسی است که در قدم نخست

دارای سجایای عالی انسانی باشد و تسلط بر ادبیات همان زبان، به دستور زبان، تاریخ ادبیات، بدیع و بیان... و درقبال آن علاوه بر استعداد، بصیرت عالی در علوم و فنون و اجتماع و دیگر موارد ردا داشته باشد. و مهمتر از همه که محتوای نوشته هایش با مجردات یا عالم عقول و نفوس انسان مرتبط باشد، چنانچه معانی و مفاهیم عشق، محبت، دوستی، شرف، عزت، سخاوت، ایثار، شجاعت، حق، عدالت... همچنان نفرت، کینه، دشمنی، دنائت، حرص، خیانت، جنایت، ظلم... را در نوشته اش به وجه احسن و بر وفق معیار های نویسنده متبارز بسازد.

هر دانشمند، هر دانشی را که فرامیگیرد، موضوع، مواد و ابزار خاص خود را میداشته باشد که در فرجام بخاطر رفاه و سعادت انسان از آن استفاده بعمل می آورد، (استفاده ضد انسانی آن بحث جداگانه است) چنانچه مواد کاربری مهندس؛ سنگ، چوب، فلز... است که پس از طرح و تنظیم نقشه در اعمار ساختمان بکار میبرد. مواد کاربری دواساز یا فارمست، عناصر و مرکبات کیمیاوی میباشد که در ساختن داروها بکار میبرد. اما مواد کاربری یک نویسنده؛ حالات، حادثات، وقایع و جریاناتی اند که از نفس فرد یا نفوس افراد در اجتماع به ظهور میرسند و در سلوک آنها نمایان میگردد. اینجاست که نویسنده از تشریح، توضیح و از بایدها و نبایدها، از باشدها و نباشدها، از شودها و نشودها... سخن به میان می آورد. نویسنده است که محسنات سلوکی فرد و اجتماع را به کرامت میگیرد و از ذایل، جنایات، بی عدالتیها، حق تلفیها و بالاخره از هر چیزی که جنبه ناشایست داشته باشد، به رسوایی عمل و عامل آن میپردازد. نویسنده بخاطر سعادت انسان از امر، خواهش، التجا... گرفته تا اخطار، سرزنش و نفرین در نوشته هایش استفاده میکند. و گاهی با دیدگاه از بلندای مقام انسانیت، نحوه ارتباط انسان را با دیگر زنده جانها و حتی با سنگ و چوب و درخت و سایر اشیا نیکه در محیط ماحول اوقرار دارد، به مقایسه و قضاوت می نشیند. اگر به آثار و نوشته های نظم یا نثر پیشینیان و معاصر خودمان نظر کنیم، فراوان نمونه هایی را در موارد بالامشاهده کرده میتوانیم، مثل:

از سعدی؛

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کاراند  
تا توانی بکف آری و به غفلت نخوری

از نصیر مهرین؛

(سده ها بود که چشمهای دردمند تندیس های شکیبای بامیان، به رویداد ها، نگاه میکردند. اما آهی از آن جگر بیرون نمی آوردند.)....

طوری که بر شمردیم، ویژگی و حساسیت کار نویسنده درینجاست، که موضوع یا محتوای نوشته نویسنده در اشکال نقد، داستان، مقالات، پارچه های ادبی، سناریوی فیلم یا درامه، تحلیل و تفسیر حالات و اوضاع اجتماعی افشا و رسواسازی ظالمان، مجادله و مبارزه با ناهنجاریها، روشنگری و بی شمار مطالب و موضوعات دیگر است که تبلور می یابند و نشانه اش مستقیماً با سلوک ظاهری و تلقیات درونی فرد یا اجتماع میباشد. به همین دلیل است که نویسنده و مسلک نویسندهگی بیش از هر کس از هواخواهانش، نوشته او را با ذره بین حرف به حرف، کلمه به کلمه و سطر به سطر آنرا مورد مذاقه قرار میدهند تا چیزی بیابند و چیزهایی بگویند و بکنند...

آری : نویسنده های پاکبین، پاک اندیش، مردم دوست و با صفا مشعلداران جامعه اند و دران میان نویسنده ها و قلم بدستان راستین کشور ما از هرگونه گزند، دور باد.